

رازگشایی از ماجرای قتل
زوج سالخورده که قربانی
وسوسه‌های سرقت
مرد آشنا شده بودند،
خاطره سرهنگ مهدی
حاج حمیدی، رئیس اداره
مبارزه با جرایم جنایی
پلیس آگاهی البرز است.



نقشه سیاه برای قتل زوج سالخورده

پنجم فروردین ماه بود که ناپدید شدن یک پیرمرد و پیرزن در کرج به اداره آگاهی البرز اعلام شد. مردی میانسال با مراجعه به اداره جرایم جنایی مدعی شد یکی از اقوام دورشان که زن و مرد پیری هستند، چند روزی است مفقود شده‌اند و هیچ اثری از آنها نیست.

این مرد در شکایتش مدعی شد: «زوج سالخورده، وضع مالی مناسبی دارند و صاحب سه فرزند هستند که در خارج زندگی می‌کنند. چند روز پیش آنها با پدر و مادر خود صحبت کرده‌اند اما بعد از آن، این زوج جوابگوی تلفن نبوده‌اند و به همین دلیل فرزندان این زوج از من خواستند برای پیگیری موضوع به پلیس شکایت کنم. قرار بود آن دو در ایام نوروز به ترکیه بروند و من نمی‌دانم آنها در ترکیه هستند یا بلایی سرشان آمده است.»

جوان اعتماد نمی‌کرد، شاید هیچ وقت این جنایت فجیع رخ نمی‌داد. نباید به راحتی به اطرافیان خود اعتماد کنیم و اسرار شخصی و مالی خود را به آنها بگوییم. قرار نیست دیگران از موضوعات شخصی زندگی ما با خبر باشند. همچنین در زمانی که قصد معامله دارید، با خریدار یا فروشنده به تنهایی قرار نگذاشته و سعی کنید مردی دیگر را با خود همراه کرده تا از وقوع اتفاقات تلخ جلوگیری شود. فرزندان زوج‌های سالخورده هم باید بیشتر به پدر و مادر خود توجه داشته باشند و غیبت ناگهانی آنها را جدی بگیرند و موضوع را سریع به پلیس اطلاع دهند. گاهی اعلام دیر هنگام ناپدید شدن افراد، مسیر تحقیقات را طولانی‌تر کرده و با مشکل روبه‌رو می‌کند.

تخصصی و فنی را انجام دادیم تا بتوانیم سر نخ از زوج سالخورده پیدا کنیم اما او یک کلام حرف نزد. پس از روزها تلاش کارآگاهان، سرانجام همدست اولب به اعتراف گشود و از قتل پیرمرد ۸۰ ساله و همسر ۷۹ ساله‌اش با انگیزه سرقت پرده برداشت. او اعتراف کرد همدستش پس از آشنایی با مرد میلیاردی، متوجه شده او خانه چهار میلیاردی تومانی‌اش را فروخته و به من پیشنهاد داد از خانه آنها سرقت کنیم. من هم به خاطر اوضاع مالی که داشتم، قبول کردم او را همراهی کنم. روزهای آخر سال بود که همدستم به من گفت پیرمرد می‌خواهد ۳۰۰ میلیون تومان پول نقد دریافت کند. طبق نقشه سراغش رفتیم و همدستم که پسر دایی‌ام است، گفت باید پیرمرد را بکشیم و همه پول هایش را برداریم. من هم با او همکاری کردم.

پس از این اعتراف، متهم اصلی که راهی برای فرار از حقیقت نداشت به همدستی در قتل‌ها اعتراف کرد و گفت: «ابتدا همدستم چند ضربه به سر پیرمرد وارد کرد و بعد هم پایش را روی قفسه سینه و گلوی او گذاشت تا مطمئن شود مرده است. برای این که ماجرا لو نرود، نقشه قتل همسر پیرمرد را طراحی کردیم و او را هم مثل همسرش کشتیم. به دلیل این که احتمال می‌دادیم خیلی زود لو برویم، با پیشنهاد همدستم دو جسد را به هشتگرد منتقل و در آنجا خاک کردیم. بعد هم هر کدام به شهری فرار کردیم.»

بعد از این اعترافات، دو متهم را سریع سوار خودرو کرده و به هشتگرد رفتیم تا محل دفن جنازه‌ها را به ما نشان دهند.

اجساد پیرمرد و پیرزن را از زیر خاک بیرون آوردیم و به کرج بازگشتیم. در بازجویی‌های بعدی نیز هر دو متهم تقصیر را به گردن همدیگر انداختند تا از مجازات رها شوند.

در این پرونده دو موضوعی که بیشتر از همه مرا ناراحت کرد، ابتدا قتل آن دو نفر به شکل فجیع بود و دیگر این که چرا پیرمرد متهم در آن سن با یکی از بستگان یا آشنایان خود برای معامله به دفترخانه نرفته است و اسرار زندگی‌اش را برای یک غریبه فاش کرده و باعث به وجود آمدن این جنایت هولناک شده است. اگر پیرمرد به مرد

در گام اول چون احتمال می‌دادیم زوج سال خورده به خارج از کشور رفته باشند، استعلام‌ها را انجام دادیم اما مشخص شد خروج آنها در هیچ مرزی ثبت نشده است. بلافاصله با مقام قضایی هماهنگ کردم و تیمی از کارآگاهان برای بررسی موضوع به خانه آنها اعزام شدند. کارآگاهان در بررسی منزل مشاهده کردند هیچ سرقتی از خانه آنها رخ نداده و وسایل خانه دست نخورده است، به همین دلیل احتمال دادیم اتفاق هولناک‌تری برایشان افتاده باشد.

چند روزی از شروع تحقیقات تیم‌های پلیس می‌گذشت و سرخی به دست نیآورده بودیم، به کارآگاهان گفتم احتمال دارد این زوج قربانی اموال خود شده باشند اما هر چه جست‌وجو می‌کردیم هیچ ردی از نقل و انتقالات املاک یا برداشت از حساب آنها وجود نداشت.

در حالی که هیچ ردی از زوج سال خورده نبود، سرانجام یک سرخ برای حل معمای این جنایت به ما کمک کرد. در تحقیقات متوجه شدیم مرد جوانی چند وقتی است که خود را به پیرمرد هشتاد ساله نزدیک کرده و با او ارتباط دارد. با شناسایی هویت مرد جوان، تحقیقات برای دستگیری او آغاز و مشخص شد و در شهریار زندگی می‌کند.

با به دست آمدن نشانی خانه‌اش و پاتوق‌ها سراغ او رفتیم اما هر جاکه می‌رفتیم هیچ اثری از او نبود، انگار تنها مظنون این حادثه آب شده وزیر زمین رفته است. دوماه کارآگاهان شبانه‌روز برای دستگیری او تلاش کردند اما هیچ ردی از او پیدا نکردیم.

سرانجام بعد از پرس‌وجو و تعقیب و مراقبت‌های بسیار متوجه شدیم مظنون پرونده گم شدن زوج میلیاردی به شهریار بازگشته است. بلافاصله او را شناسایی و دستگیر کردیم.

در ۴۸ ساعت اول او هیچ اتهامی را گردن نمی‌گرفت و مدعی بود اطلاعی از سرنوشت پیرمرد و همسرش ندارد اما در لابه‌لای حرف‌هایش ردی از همدستش را پیدا کردیم.

او هم در همان شهریار شناسایی و در یک عملیات دستگیر شد. چند روزی از مظنون اصلی بازجویی‌های

در این پرونده دو موضوعی که بیشتر از همه مرا ناراحت کرد، ابتدا قتل آن دو نفر به شکل فجیع بود و دیگر این که چرا پیرمرد متهم در آن سن با یکی از بستگان یا آشنایان خود برای معامله به دفترخانه نرفته است و اسرار زندگی‌اش را برای یک غریبه فاش کرده و باعث به وجود آمدن این جنایت هولناک شده است.

اگر پیرمرد به مرد

